پلان ۱

عصر جدید

تا قبل از پیروزی انقلاب در تهران ۱۱۵ سالن سینما دایر بود. وقتی اعتصاب سینماداران شکست، به‌تدریج ۸۹ سینما آغاز به‌کار کردند. از سال ۱۳۵۸ برخی از سینماها در تهران و شهرستان‌ها مصادره و به نهادها و ارگان‌های دولتی واگذار شدند. در سال‌های اول پیروزی انقلاب، با توجه به مشخص نبودن معیارها در حوزه فرهنگ و تزلزل مدیریتی و آشفتگی حاکم بر نهادهای تصمیم‌گیر، در یک دوره‌گذار بلاتکلیفی و تصمیم‌های هیجانی بیداد می‌کرد. نه تولیدات مناسب جامعه‌ای که انقلاب کرده بود وجود داشت و نه متولی حوزه فرهنگ و هنر دقیقا مشخص بود. سینما در این دوران دچار تزلزل مدیریت و چالش مشروعیت هم بود. برخی از مالکان سالن‌های سینما از کشور خارج شده بودند و اغلب سینماهای ممتاز و درجه یک مصادره شده بودند. تعدادی از سینماها به‌دلیل نمایش فیلم‌هایی که با شرایط جامعه پس از انقلاب همخوانی نداشتند تعطیل شدند. بنیاد مستضعفان متولی سینماهای زیادی شد و با سندیکای سینماداران دچار اختلاف شد. مصادره تمام سینماهای کشور در نهایت رخ نداد ولی بیشتر سینماهای مهم و شاخص و حتی تعدادی از سینماهای کوچک در شهرستان‌ها در تملک نهادها و ارگان‌ها درآمدند. نام برخی سینماها هم تغییر کرد؛ مثلاً کاپری به بهمن، آتلانتیک به آفریقا، شهر فرنگ به آزادی، تخت‌جمشید به عصر جدید و پولیدور ابتدا به پلیساریو و بعد به قدس تغییر نام دادند. با اینکه پروژه تصرف تمام سینماهای کشور امکان پذیر نشد ولی تقریبا سینمای ممتازی در کشور نبود که از مصادره در امان مانده باشد. در این سال‌ها یکی از بزرگ‌ترین مشکلات، کمبود فیلم قابل نمایش است. درهای انبارها گشوده شده و هرچه فیلم قدیمی قابل پخش وجود دارد، با پروانه نمایش و در مواردی بدون پروانه نمایش روی پرده سینماها می‌آید. در فاصله سال‌های ۵۸ تا ۶۲ که هنوز تکلیف سینما مشخص نشده، در عین بی‌نظمی، شاهد تنوعی کم‌سابقه در اکران هستیم. از سال ۶۲ به بعد مدیریت سینما وارد دوره تثبیت می‌شود.

پلان ۲

اکران زیر آتش

شروع جنگ تحمیلی از سوی عراق، درحالی که تنها یک‌سال‌ونیم از پیروزی انقلاب می‌گذشت بحرانی را به کشور تحمیل کرد که دامنه‌اش بسیار گسترده بود؛ بحرانی که سینما را هم متاثر کرد. بسیاری از سینماهای استان خوزستان در دوران جنگ ویران شدند؛ به‌عنوان مثال شهر آبادان که قبل از پیروزی انقلاب با ۲۸ سالن از بیشترین سینما بعد از تهران برخوردار بود، همه سالن‌هایش یا کلا تخریب شد یا آسیب‌های جدی دید. این بلا سر ۷ سالن خرمشهر نیز آمد. ویرانی‌های جنگ دامن سینما را هم گرفت و در روزهای حمله به شهرها، سینماها از تعداد سانس‌هایشان کاستند و در مقطعی که موشک‌باران اوج گرفت، سینماها در پایتخت هم تن به تعطیلی دادند. در دهه ۶۰، تصدی‌گری دولت و نهادها در بالاترین سطح قرار داشت؛ دورانی که جنگ تحمیلی، امکان چندانی برای توسعه سالن‌های سینما باقی نمی‌گذاشت. وقتی دولت کنترل واردات فیلم خارجی را در اختیار گرفت و تولید فیلم ایرانی بعد از دوران بلاتکلیفی ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲ از سر گرفته شد، سینما رفتن به مهم‌ترین تفریح ایرانی‌ها بدل شد. میزان استقبال تماشاگران از سینما در دهه ۶۰ با همان سالن‌های به جا مانده از گذشته در دهه‌های بعد دست‌نیافتنی ارزیابی شد. در این سال‌ها تعداد سالن‌های فعال به جای افزایش، کاهش می‌یافت و هر سال تعدادی از سالن‌های فرسوده از دور خارج می‌شد. به‌عنوان نمونه تعداد سینماهای کشور در سال ۱۳۶۶ نسبت به سال قبلش از ۲۸۴ سالن به ۲۶۴ سالن کاهش یافت.

پلان ۳

ظهور پردیس‌های سینمایی ورود به عصر دیجیتال

طرح پردیس‌های سینمایی نخستین‌بار در سال ۱۳۷۶ توسط معاون امور سینمایی وقت مطرح و پس از مصوب شدن به برنامه چهارم توسعه اضافه شد. براساس این طرح، سازندگان پردیس‌های معادل متراژ فضای سینمایی، فضای تجاری بدون عوارض سنگین معمول دریافت می‌کردند. اگر در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ بخش خصوصی اقدام به تأسیس سالن‌های سینما می‌کرد، حالا سال‌ها بود که سینماداری توجیه اقتصادی‌اش را از دست داده بود و اگر قانون منع تغییر کاربری نبود، هیچ سینمای خصوصی‌ای در کشور باقی نمی‌ماند. سینمایی که گاهی وقت‌ها درآمدش کمتر از آب میوه‌فروشی یا ساندویچی کنار دستش بود به کسب‌وکاری تمام‌شده می‌مانست؛ کسب‌وکاری که بخش خصوصی هیچ رغبتی برای ورود به آن نشان نمی‌داد. پس چاره کار همین پردیس‌های چندسالنه‌ای بود که فضاهای تجاری‌اش می‌توانست پای سرمایه‌گذاران را به ماجرا باز کند. از مرحله طرح تا عملیاتی شدن پروژه پردیس‌های سینمایی نزدیک به یک‌دهه گذشت و سال ۸۵ داستان سالن‌های مدرن چند سالنه با پردیس تماشا در تهران کلید خورد. افتتاح پردیس آزادی در سال ۸۶ هم اتفاقی امیدبخش بود و پس از آن پردیس‌های سینمایی در تهران و شهرستان‌ها یکی پس از دیگری متولد شدند. از ابتدای دهه ۹۰ بخشی از سینماگران هم به سالن‌داری علاقه نشان دادند. در دهه ۹۰ دوران آپارات‌های قدیمی که نسخه ۳۵ میلی‌متری فیلم‌ها را به نمایش درمی‌آوردند به پایان رسید. در این سال‌ها مدیریت سینمای کشور برای ارتقای سطح سینماداری تصمیم به دیجیتال کردن سیستم‌های پخش سینماها گرفت و در کمتر از یک سال این اتفاق رخ داد. با دیجیتال شدن سینماها بسیاری از مشکلات قدیمی به‌خصوص در سینماهای دور از مرکز حل شد. مهم‌ترین معضل، نمایش همزمان فیلم‌ها در سراسر کشور بود که پیوستن به سیستم دیجیتال آن را حل کرد.

زنجیره سینماهای کشور تکمیل می‌شود

۱۰۰۰ سالن تا ۱۴۰۲

به‌گفته وزیر ارشاد شهرهای فاقد سینما در اولویت ریل‌گذاری ساخت و تکمیل سالن‌ها قرار دارند

گزارش
شهاب مهدوی
روزنامه‌نگار

۱۷۸ سینما، ۶۳۸ سالن. این آخرین آمار رسمی منتشر شده سینماهای فعال کشور در سال ۱۴۰۰ است. اینطور که ایرنا روایت کرده این تعداد سالن، ۱۰۱ هزار و ۶۵۳ صندلی دارند. نکته جالب توجه اما مقایسه این آمار با آمارهایی است که سازمان سینمایی یک سال قبل از انتشار این آمار، یعنی در سال ۱۳۹۹ منتشر کرد. در این آمار تعداد سینماهای کشور ۲۷۷ و تعداد سالن‌ها ۵۴۱ سالن ذکر شد. تعداد صندلی‌ها ۱۳۲ هزار صندلی بوده است. در واقع طی یک‌سال، ۹۹ سینما از گردونه اکران و نمایش خارج شدند اما تعداد سالن‌ها ۱۱۲ سالن افزایش یافته است. این آمار نشان‌دهنده این حقیقت تلخ است که با وجود کاهش ۹۹ باب سینما، ۱۱۲ سالن به سالن‌های کشور افزوده شده است. سینماهای کنار رفته، همین سینماهای متروک بودند و افزایش سالن نیز به‌معنای تعدد پردیس‌های سینمایی چندسالنه در کشور است. در مورد سینماهای متروک که حالا مالکان‌شان به وزارت ارشاد درخواست انحلال داده‌اند، می‌توان به این موضوع اشاره کرد که برخی از این سالن‌ها با توجه به موقعیت جغرافیایی‌شان، عملا دیگر امکان فعالیت ندارند ولی درباره تعدادی از سینماهای تعطیل شده و برخی سینماهای همچنان فعال ولی کم‌مخاطب، می‌توان به راهکارهایی برای تجهیز و بازسازی سالن‌ها رسید. سینماهایی که در سال‌های اخیر و با توجه به احداث پردیس‌های مدرن، به نوعی رها شده بودند. در سال‌های گذشته وعده احداث تعداد قابل توجهی سینما در شهرهای مختلف داده شد؛ وعده‌ای که در اغلب موارد نیمه کاره ماند و برخی‌شان هم فقط تا مرحله کلنگ‌زنی پیش رفتند. حالا وزیر ارشاد می‌گوید سیاست دولت، تکمیل پروژه‌های نیمه کاره است و اولویت هم با شهرهایی است که فاقد سینما هستند. در این زمینه اقداماتی در گذشته صورت گرفته که به دلایل مختلف یا متوقف شده بود و یا به شکلی کند پیش می‌رفت. حالا ماموریت وزارت ارشاد تکمیل این پروژه‌هاست؛ اینطور که وزیر ارشاد می‌گوید قرار است در سال ۱۴۰۲ به رقم ۱۰۰۰ سالن در کشور برسیم که دستاورد قابل توجهی است.

ظرفیتی که نادیده گرفته شده بود

سالن هست ولی سینما نیست. بسیاری از شهرهای ایران فاقد سالن سینما هستند؛ شهرهایی که در تعدادی‌شان سالن‌هایی وجود دارد که به‌عنوان مجتمع‌های فرهنگی فعالیت دارند. این مجتمع‌ها که اغلب متعلق به ادارات کل ارشاد هستند و در مواردی تحت مالکیت نهادها و سازمان‌های دولتی (مانند هلال‌احمر و آموزش و پرورش) قرار دارند، با تجهیز امکانات می‌توانند تبدیل به سالن نمایش فیلم شوند؛ ظرفیتی قابل توجه که سال‌ها یا مورد غفلت قرار گرفته بود یا اساسا انگیزه و برنامه‌ای برای تبدیل‌شان به سالن‌هایی که قابلیت اکران فیلم داشته باشند وجود نداشت. از اوایل دهه ۹۰ طرح تبدیل مجتمع‌های فرهنگی به سینما مورد مطالعه قرار گرفت. سال ۹۳ رئیس وقت سازمان سینمایی، تعداد مجتمع‌های فرهنگی را حدود ۱۵۰ سالن ذکر کرد و از آمادگی و برنامه‌ریزی برای تجهیز امکانات این سالن‌ها در شهرهایی که فاقد سینما هستند خبر داد. البته تا همان مقطع هم حدود ۱۰ مجتمع فرهنگی تجهیز و تبدیل به سالن‌هایی برای نمایش فیلم شده بود. هرچند هر مجتمع فرهنگی در هر شهری مناسب تجهیز و تبدیل به سالن سینما نبود و نمایش گهگاهی فیلم، با پیوستن به ناوگان نمایشی کشور تفاوت‌های معناداری داشت؛ تفاوت‌هایی که از چشم متولیان این طرح پنهان نماند. نتیجه، تجهیز بیش از ۸۰ مجتمع فرهنگی به امکانات نمایش فیلم و تبدیل آنها به سالن سینما بود؛ دستاوردی مغتنم با کمترین هزینه ممکن، سینما را به شهرهایی برد که فاقد سالنی برای اکران فیلم بودند.

اینجا چراغی روشن است

اما داستان تجهیز مجتمع‌های فرهنگی به امکانات نمایش فیلم، از کجا و با چه برنامه‌ریزی‌ای آغاز شد. سال ۹۲ در کشور ۳۱۸ سینمای فعال داشتیم که تا انتهای دهه ۹۰ به ۶۳۰ تا ۶۵۰ سالن فعال رسیده‌ایم که رشد قابل توجهی است؛ هرچند این رشد تناسبی با نیازهای کشور ندارد. براساس تقسیمات کشوری بیش از ۱۳۰۰ شهر داریم که از میانشان حدود ۲۱۰ شهر از سالن سینما برخوردار هستند و سایر شهرها از چنین امکانی بی‌بهره‌اند؛ یعنی ساکنان بیش از ۱۰۰۰ شهر سینما ندارند که با وجود تلاش‌های صورت گرفته در ساخت‌وساز و تجهیز سالن‌ها، رقم قابل توجهی است. نگاهی به روند ساخت‌وساز پردیس‌های سینمایی نشان از ورود جدی بخش خصوصی به این عرصه دارد. به‌خصوص از سال ۹۲ به بعد ساخت سالن‌های سینما در مجتمع‌های تجاری بزرگ تقریباً تبدیل به رویه می‌شود.

تمرکز پردیس‌ها در کلانشهرها

نکته مهم در ساخت پردیس‌های سینمایی توسط بخش خصوصی تمرکز و تجمع سینماهای چندسالنه و چندمنظوره در پایتخت و دیگر کلانشهرهاست. تهران، اصفهان، مشهد، تبریز، شیراز و تعدادی دیگر از مراکز استان مهد ساخت پردیس‌های سینمایی در این سال‌ها بوده‌اند؛ پردیس‌هایی که هم به رشد بازار اکران و هم به رونق چشمگیر گیشه یاری رساندند و باعث شدند تعداد بیشتری از تولیدات سینمای ایران وارد چرخه اکران شوند. تا اواخر و پیش از آمدن کرونا تأثیر پردیس‌های مدرن را به خوبی می‌شد در وضعیت گیشه و تعدد فیلم‌های اکران شده مشاهده کرد. در مورد شهرهای بزرگ بخش خصوصی پردیس‌های سینمایی زیادی ساخته و در دست تاسیس داشت ولی هرچه از کلانشهرها فاصله می‌گرفتیم رغبت سرمایه‌گذاران به ساخت سالن سینما هم کاهش می‌یافت.

ایران فقط تهران نیست

افزایش سالن‌های سینما و گسترش ساخت پردیس‌های سینمایی خبر خوش دهه ۹۰ بود اما بیشتر این پردیس‌ها در پایتخت و شهرهای بزرگ ساخته شدند و با وجود افزایش چشمگیر سالن‌های سینما، تغییری در درصد شهرهای برخوردار از سینمای کشور حاصل نمی‌شد. نتیجه اینکه شهرستان‌های بدون سینما همچنان محروم از سالن باقی می‌ماندند. برای محرومیت‌زدایی در حوزه سالن‌های سینما چند طرح در دستور کار قرار گرفت که یکی از آنها طرح سینما امید بود؛ طرحی برای شهرهایی که محروم از سالن سینما بودند و به‌نظر می‌رسید بخش خصوصی هم انگیزه‌ای برای ساخت پردیس در این شهرها را ندارد. طرح سینما امید تدوین شد تا امید به برخورداری از سینما در شهرستان‌های کوچک زنده شود. امید از همین نقطه جوانه زد. حالا این سؤال مطرح بود که چگونه می‌توان چراغ ساخت پردیس در شهرهای فاقد سینما را روشن کرد؟ برای این کار نیاز به همکاری سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و سازمان امور سینمایی و سمعی و بصری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وجود داشت. تفاهمنامه‌ای میان دو سازمان امضا شد تا با استفاده از ظرفیت‌های طرفین در شهرهای فاقد سینما، پردیس سینمایی امید ساخته شود. برای احداث پردیس سینمایی امید در هر شهر یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان از اعتبارات ملی درنظر گرفته و قرار شد ۷۰۰ میلیون تومان از این مبلغ توسط سازمان سینمایی و ۵۰۰ میلیون تومان نیز توسط سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها تامین شود. در گام اول قرار شد ۲۰ سینمای چندسالنه در ۲۰ شهر ساخته شود. عدالت اکران و گسترش فضای نمایشی در ایران و نه فقط تهران، حالا دیگر نه شعار که آرمانی بود که برای تحققش برنامه‌ای دقیق تدوین شد. طرح سینما امید سال ۹۷ کامل شد و با تامین اعتباری که محصول مذاکره سازمان سینمایی با سازمان برنامه و بودجه بود، گام بعدی برای تعامل با شهرداری‌ها برداشته شد. اینطور که رمضان علی حیدری خلیلی، معاون سابق توسعه مدیریت و منابع سازمان سینمایی می‌گوید نقش شهرداری‌ها در موفقیت این طرح کلیدی بود؛ «وقتی سازمان برنامه و بودجه با تامین اعتبار ۷۰۰ میلیون تومانی برای هر پردیس سینمایی موافقت کرد مذاکرات سازمان سینمایی با سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های وزارت کشور هم نتیجه داد و قرار شد سازمان شهرداری‌ها برای تاسیس هر پردیس سینمایی ۵۰۰ میلیون کمک بلاعوض کند. ما در طرح سینما امید به یک الگو و نقشه تیپ رسیدیم که سینماهای کوچک حداقل سه‌سالنه باشند. در یک طبقه تاسیس شوند و به لحاظ معماری با فضای شهری که پردیس در آنجا ساخته می‌شود سنخیت داشته باشند. در اجرای این طرح سازمان سینمایی نقش حمایتی و نظارتی برای خود قائل شده بود و از همان ابتدا مشخص بود که سینما امید با همراهی و تعامل جدی شهرداری‌ها امکان تحقق دارد. در بخش ساخت‌وساز فاکتور زمین حرف اول را می‌زند و اساسا بخش مهمی از هزینه‌های احداث سالن‌های سینما را قیمت زمین تشکیل می‌دهد. در تدوین طرح سینما امید به ظرفیت شهرداری‌ها در تامین زمین فکر شد. شهرداری‌ها در سراسر کشور زمین در اختیار دارند و ورودشان به پروژه به‌معنای تامین یکی از مهم‌ترین فاکتورهای لازم برای تاسیس پردیس‌ها بود. به این ترتیب تامین زمین توسط شهرداری‌ها به‌عنوان یک اصل درنظر گرفته شد. در گفت‌وگوهایی که صورت گرفت این نکته لحاظ شد که اگر محل درنظر گرفته شده برای تاسیس پردیس در پارک مرکزی شهر باشد (که از نظر ما محل مناسبی بود چون دسترسی عمومی به آن راحت بود) حدود ۷۰۰ متر از مساحت پارک برای این کار اختصاص یابد. اصل بر این بود که با انتخاب مکان مناسب به استقبال مردم از پردیس‌های سینما امید برسیم. برای این کار هم نیازمند همراهی و همدلی شهرداری‌ها بودیم.» معاون سابق توسعه مدیریت و منابع سازمان سینمایی از روزهایی می‌گوید که گفت‌وگوها با مدیران شهری آغاز شد تا بهترین و مناسب‌ترین شهرها برای تاسیس پردیس سینمایی انتخاب شوند؛ «وقتی طرح تبدیل مجتمع‌های فرهنگی به سینما اجرایی شد، میزان فعالیت شهرهایی که در غالب این طرح سالن‌هایشان تجهیز شده بود، سنگ محکی شد برای رسیدن به این نکته که کدام استان‌ها و شهرها کشش بیشتری در بازار اکران دارند. در گفت‌وگو با مدیران ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها آنها را در جریان طرح پردیس‌های سینما امید گذاشتیم و بخشی از مسیر از طریق گفت‌وگوهای ادارات کل ارشاد با مسئولان استان‌ها برای رسیدن به تفاهمنامه استانی طی شد.»

کدام شهرها؟

اما شهرهایی که قرار بود در آنها سینما شناخته شود چگونه انتخاب شدند؟ واقعیت این است که بسیاری از شهرهای سینما هنوز ظرفیت و کشش پیوستن به بازار اکران را ندارند. طبیعتاً شهری که ۳۰ هزار نفر جمعیت دارد چندان مناسب تاسیس پردیس سینمایی نیست یا شهری که مدیرانش تاسیس سالن سینما را اولویت و ضرورت نمی‌دانند یا آنقدر درگیر مشکلات ریز و درشت هستند که امکان و توانایی ساخت پردیس را ندارند، نمی‌توانستند در فهرست شهرهای متقاضی اجرای طرح قرار گیرند. از سوی دیگر اما تعداد متقاضیان هم در روزهای اول فراتر از پیش‌بینی‌های سازمان سینمایی بود.

مجموعه‌ای از برنامه‌ریزی‌ها، مذاکرات و امضای تفاهمنامه با سازمان شهرداری‌های وزارت کشور، رایزنی‌های ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها و استفاده از ظرفیت‌های استانی و رسیدن به نقطه مشترک با شهرداری و شورای شهر، در نهایت به آغاز ماراتن امید انجامید. نخستین تفاهمنامه تاسیس پردیس سینمایی امید در ۱۵ مهرماه ۱۳۹۷ در ایلام امضا شد. استان ایلام با ۶۰۰ هزار نفر جمعیت حتی یک سینما هم نداشت. پس مرکز استان در اولویت ساخت پردیس قرار گرفت و شهر ایلام شد نخستین میزبان طرح سینما امید. مسئولان استان بوشهر شهر گناوه را انتخاب کردند که بعدها به‌دلیل مشکلاتی محل پروژه به کنگان منتقل شد. رسانه‌ها با تیتر «بارقه امید در کنگان» به استقبال این خبر رفتند. تغییر شهر محل اجرای طرح چندبار دیگر هم تکرار شد. در استان آذربایجان غربی از ماکو به مهاباد، در استان چهارمحال و بختیاری از فارسان به لردگان، در استان هرمزگان از میناب به سیریک و در استان همدان از نهاوند به اسدآباد، محل اجرای طرح تغییر کرد. درحالی که متولی تاسیس پردیس‌ها در اغلب شهرها شهرداری است در اندیمشک بخش خصوصی هم وارد ماجرا شد. با یک برنامه‌ریزی فشرده و تعامل با شهرداری‌ها، استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و اعضای شورای شهر، برند امید دلخوشی بهره‌مندی از پردیس‌های چند سالنه را در خلخال، ایرانشهر، مرودشت، بانه، محمدیه، جیرفت، مینودشت، صومعه‌سرا، نجف‌آباد، قرچک و... ایجاد کرد. انتخاب شهر متقاضی، انتخاب زمین مناسب، در اختیار قراردادن نقشه‌ای که زیرنظر سازمان سینمایی و با درنظر گرفتن ویژگی‌ها و معماری منطقه توسط مهندسان طراحی شد (و در مواردی شهرداری‌ها اجرای نقشه را عهده‌دار شدند)، انتخاب پیمانکار توسط شهرداری و بعد آغاز عملیات ساخت و ساز. قرار بود در یک بازه زمانی شش ماهه پردیس‌ها به مرحله بهره‌برداری برسند اما مشکلات باعث شد تا همه‌چیز دشوارتر و کندتر از آنچه پیش‌بینی و برنامه‌ریزی شده بود پیش برود. در واقع در حوزه ساخت سالن‌های سینما ما با انبوهی پروژه نیمه‌تمام به‌جا مانده از دولت دوازدهم مواجهیم؛ احتمالا به همین دلیل است که وزیر ارشاد تأکید دارد قبل از هر اقدام تازه‌ای باید پروژه‌های نیمه‌تمام را به ثمر رساند.

مکث

توجه ویژه به ساخت سالن سینما

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به سرعت گرفتن روند ساخت و تجهیز طرح‌های نیمه تمام فرهنگی و هنری و به‌ویژه سالن‌های نمایش و سینما، از تکمیل زنجیره سینماهای کشور در موعد مقرر خبر داد و تأکید کرد: شهرهای فاقد سینما در اولویت ریل‌گذاری ساخت و تکمیل هستند. محمد مهدی اسماعیلی با اشاره به رویکرد و اولویت دولت مردمی مبنی بر تکمیل طرح‌های نیمه تمام به جای کلنگ‌زنی جدید در سراسر کشور، تأکید کرد: این وزارتخانه مصمم است تا در راستای این رویکرد و سیاستگذاری دولت، مبنا را بر تکمیل و ساخت و تجهیز طرح‌های فرهنگی و هنری نیمه تمام گذاشته تا از این طریق بتوانیم ضمن پایان دادن به اینگونه طرح‌های مانده از قبل، بلافاصله روی طرح‌های جدید برنامه‌ریزی و اقدامات بایسته را در دستور کار قرار دهیم. رئیس شورای هنر کشور که با ایرنا گفت‌وگو می‌کرد در ادامه با اشاره به‌وجود ۶۳۸ سالن نمایش در کشور، خاطرنشان کرد: از برنامه‌های کوتاه‌مدت این دوره وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت مردمی، افزایش تعداد سالن‌های نمایش سینماهای کشور به هزار سالن تا سال ۱۴۰۲ خواهد بود. وزیر ارشاد همچنین در ادامه، گسترش زیرساخت‌های این حوزه را از برنامه‌های مهم دولت انقلابی عنوان کرد و یادآور شد: با مجموع اقدامات انجام گرفته در مدت زمان آغاز به‌کار این دوره وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت سیزدهم، تعدادی از این طرح‌ها در قالب مجموعه تالارهای فرهنگی و هنری در شیراز، اهواز، همدان، ارومیه را تکمیل و به بهره‌برداری رسانده و برخی نیز مانند کتابخانه مرکزی قم، تالار مرکزی ساری نیز تجهیز شدند. اسماعیلی با اشاره به تخصیص بودجه‌های مجزا برای ساخت و تکمیل مجموعه‌های فرهنگی و هنری در استان‌ها درباره تالار مرکزی ارومیه، اظهار داشت: در راستای تحقق عدالت فرهنگی با تخصیص قابل توجه به اعتبارات به حوزه زیرساخت در فعالیت‌های فرهنگی و هنری این تالار مرکزی با زیربنایی بیش از ۱۸ هزار مترمربع در سفر هیأت دولت به استان آذربایجان غربی به بهره‌برداری رسید. اسماعیلی افزود: با عنایت ویژه دولت مردمی به تحقق عدالت فرهنگی در سراسر کشور و با سرعت بخشیدن به روند ساخت در چندماه اخیر، تالار مرکزی ارومیه مورد بهره‌برداری اصحاب فرهنگ و هنر و مخاطبان قرار گرفت. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین گفت: خوشبختانه ریل‌گذاری نهایی را انجام داده و در تحقق وعده‌های بزرگ فرهنگی و هنری نگاه شعاری نداشته و نخواهیم داشت بنابراین با جدیت تلاش می‌کنیم تمامی وعده‌های ارائه شده در ابتدای این دولت و اعلام شده در برنامه‌های ارائه شده به مجلس شورای اسلامی را در موعد مقرر اجرایی و عملیاتی کنیم.

یادداشت
شاهرخ شانجانی؛ روزنامه‌نگار

مسیری که سالن‌های سینما در گذر زمان پیمودند

از زینت‌المجالس دربار تا تفریح ارزان مردم

سینماتوگراف تحفه فرنگ بود. در تابستان ۱۲۷۹ مظفرالدین شاه که به قصد سیاحت تهران را به مقصد اروپا ترک کرده بود به اتفاق ابراهیم‌خان عکاس‌باشی در فرانسه مخاطب پدیده نوظهور سینما شد. فقط ۵ سال از عمومی شدن اختراع برادران لومیر گذشته بود و حالا شاه قاجار چنان شیفته سینماتوگراف شده بود که فی‌المجلس دستور ابتیاع دستگاه‌هایی که در آن اتاق تاریک عکس‌ها را زنده و متحرک به نمایش درمی‌آورد را صادر کرد. شاه که از سفر بازگشت با خود دستگاه فیلمبرداری و نمایش فیلم را هم به ایران آورد. سینما شد زینت‌المجالس دربار قاجار و ابراهیم‌خان عکاس‌باشی نخستین فیلمبردار و نمایش‌دهنده فیلم در ایران، از اختراع برادران لومیر در خدمت دربار و اهل حرم و بعد مجالس عروسی و ختنه سوران اشراف بهره گرفت. سینما در خدمت دربار و اشراف قرار گرفت و ملت اساسا بی‌خبر از اختراع لومیرها بود.

اولین سالن‌های عمومی

نخستین گام برای عمومی شدن سینما در ایران را میرزا ابراهیم‌خان صحاف باشی برداشت. دارنده مغازه آنتیک فروشی در خیابان لاله‌زار که در دارالفنون زبان انگلیسی خوانده بود، در سفرهایش به اروپا با سینما آشنا شد و در بازگشت به ایران دستگاه نمایش فیلم به همراه آورد و در مهر ۱۲۸۳ نخستین سالن نمایش فیلم در ایران را در حیاط پشت مغازه‌اش دایر کرد. نخستین تماشاگران فیلم در این سالن، اعیان و اشراف بودند که به سه‌راه مهنا در لاله‌زارنو می‌آمدند تا به تماشای فیلم‌های تک حلقه‌ای که میرزا ابراهیم‌خان صحاف‌باشی با خود از سفر آورده بود بنشینند.

سینما به‌عنوان مظهر تجدد

با سقوط قاجار و برآمدن پهلوی، تاسیس سالن‌های سینما هم شتاب بیشتری به‌خود گرفت. پهلوی اول با هدف توسعه و تجدد آمرانه در جامعه سنتی ایران، سینما را یکی از مظاهر تجدد می‌دانست. وقتی علی وکیلی که تاجری خوشنام بود سالنی در گراندهتل را به گراند سینما تبدیل کرد، سینماداری کم‌کم رونق گرفت. وکیلی در خیابان سپه سینما سپه را تاسیس کرد و مدتی در سالن مدرسه زرتشتیان در خیابان نادری سینمایی مخصوص بانوان به راه انداخت. در همان سال‌های نخست حکومت پهلوی اول، سینماهای تهران و شهرستان آنقدر زیاد شد که پای مردم عادی هم به سالن‌های نمایش فیلم باز شود. در خیابان لاله‌زار به‌عنوان مهم‌ترین محل تفریح مردم به مرور سالن‌های سینما تاسیس شد. سینما ایران، مایاک (دیده بان) و...

سینماداری حرفه‌ای با توجیه اقتصادی

شکل‌گیری فیلمفارسی در دهه ۳۰ و رونقش در دهه ۴۰، خود عاملی مؤثر در افزایش مخاطبان سینماست. در تهران بیشتر سینماها در خیابان‌های اصلی، پرتردد (مثل نادری و مولوی) یا در خیابانی که مهم‌ترین محل تفریح مردم است (لاله‌زار) ساخته می‌شود. به مرور وقتی مشتریان سینما زیادتر می‌شود تعداد سینماهای واقع در محله‌های مختلف تهران نیز افزایش می‌یابد. اتفاقی که در شهرستان‌ها هم رخ می‌دهد. بسیاری از این سینماها با ظرفیت صندلی نه چندان زیاد به نیت جذب اهالی محل ساخته می‌شوند. پراکندگی جغرافیایی سینماها در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ با این منطق گسترش می‌یابد.

افول سینما در دهه ۵۰

از دهه ۵۰، ممیزی اخلاقی فیلم‌ها کم رنگ‌تر می‌شود. واردات بی‌رویه کمدی‌های جنسی ایتالیایی و نمایش گسترده برهنگی در فیلم‌های خارجی، باعث می‌شود فضای فیلم‌های فارسی هم غیراخلاقی شود. اگر در دهه ۴۰ فیلمفارسی محصولی برای تمام اعضای خانواده بود در دهه ۵۰ جای خانواده را تماشاگران مرد مجرد می‌گیرند. اتفاقی که در سینماهای کوچک محلی معنایش ریزش تماشاگر و زیان‌ده شدن سینماهاست. طوری که برخی مالکان اقدام به فروش سینماهایشان می‌کنند و در مواردی خریداران اقدام به تغییر کاربری می‌دهند. سرنوشت ۲ سینمای تهران در دهه ۵۰ از این لحاظ جالب توجه است. سینما اسکار واقع در میدان رشدیه سابق در سال ۱۳۵۴ واگذار و با تغییر کاربری تبدیل به حسینیه توحید (متعلق به شانجانی‌های مقیم تهران) می‌شود. سال ۱۳۵۶ همین اتفاق در مورد سینمای زیان‌ده و تعطیل شده امپریال واقع در خیابان قصرالدشت، ابتدای جیحون تکرار و این بار تبدیل به حسینیه خامنه‌ای‌ها می‌شود. تبدیل سینما به حسینیه مورد توجه ساواک هم قرار می‌گیرد و نشانه‌ای بر واکنش اقشار مذهبی نسبت به سینما به‌عنوان پدیده‌ای که رواج‌دهنده مضامین مغایر با شرع است ارزیابی می‌شود. نکته مغفول مانده در گزارش‌های ساواک، زیان‌ده بودن این سینماهای محلی است که در دهه ۴۰ به مالکان‌شان سود می‌رساندند.

در سال‌های ۵۶ و ۵۷ بحران مخاطب هم سینمای فارسی را از نفس می‌اندازد و هم سینماداران را با مخاطره مواجه می‌کند. سال ۵۷ انجمن سینماداران سه بار اعلامیه تعطیلی سینماها را صادر و دست به اعتصاب می‌زنند. خواسته حداقلی سینماداران، افزایش بهای بلیت و کاهش عوارض شهرداری است. خواسته‌هایی که در نهایت برآورده نمی‌شود. در نهایت با شعله‌ور شدن آتش انقلاب، سینماهای کشور تعطیل می‌شوند.

ما با سینما مخالف نیستیم با فحشا مخالفیم

با آنچه در روزهای پیروزی انقلاب گذشت به‌نظر می‌رسید پرونده سینما بسته خواهد شد اما سخنرانی رهبر انقلاب در بهشت‌زهرا(س) حکم به بقای سینما داد تا دورانی تازه شروع شود: «ما با سینما مخالف نیستیم با فحشا مخالفیم» سینما در ایران با همین جمله معروف نقشه راهش را یافت و از نابودی نجات پیدا کرد.